

دادرسی اساسی تطبیقی

عنوان پژوهش

دادرسی اساسی در
جمهوری اسلامی افغانستان

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۲۴



شناسنامه

عنوان:

دادرسی اساسی تطبیقی
دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی افغانستان

مؤلف:

حسین خلف رضایی

ناظر علمی:

سید محمد مهدی غمامی

دفتر مطالعات تطبیقی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
۱- نگاهی به نظام سیاسی و حقوق اساسی افغانستان.....	۴
۱-۱- ادوار و سیر تدوین قانون اساسی.....	۴
۱-۲- ساختار و نظام سیاسی.....	۵
۲- جایگاه قانونی و ترکیب ستره محکمه.....	۶
۲-۱- ساختار و ترکیب محکمه.....	۷
۲-۲- شرایط عضویت در دیوان.....	۸
۳- صلاحیت محکمه.....	۹
۳-۱- بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی.....	۹
۳-۲- سایر صلاحیتها.....	۱۲
نتیجه گیری.....	۱۵
منابع.....	۱۷

چکیده

در هر نظام حقوقی منسجمی، سلسله مراتب هنجارها و قواعد حقوقی پذیرفته شده است و به طور معمول، قانون اساسی در رأس هرم قواعد حقوقی و قوانین موضوعه قرار می‌گیرد و دیگر قوانین در چارچوب آن اعتبار می‌یابند. مسأله کنترل، نظارت و تفسیر قانون اساسی و نهاد متولی آن در نظام های حقوقی پیش بینی شده تا حسب مورد از انحراف قوانین و مقررات از این سند معیار پیشگیری کرده یا از تداوم چنین وضعیتی جلوگیری شود. هر کشوری بنا به مقتضیات و ساختار نظام حقوقی خود، نهاد یا سازوکار خاصی را برای این منظور در نظر گرفته است. قانونگذار اساسی کشور افغانستان با پیروی از الگوی نظارت قضایی، مسئولیت اجرای این کارویژه را به عهده عالی‌ترین نهاد قضایی کشور (ستره محکمه) نهاده است.

واژگان کلیدی: ستره محکمه، قانون اساسی، تفسیر، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، مجلس شورای ملی.

مقدمه

افغانستان به دلیل برخورداری از نظام‌های سلطنتی و غیر دموکراتیک و نزدیک به سه دهه بحران‌های ناشی از جنگ‌های تحمیلی برون مرزی و کشمکش‌های داخلی، دارای نظام حقوقی ناکارآمدی بوده است. این کشور طی نزدیک یک قرن (از ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۲ش) شاهد قوانین اساسی متعدد بوده و اختلافات ساختاری و ماهوی نظام‌های سیاسی از پادشاهی و کمونیستی تا جمهوری اسلامی را شاهد بوده است.

جایگاه شریعت در قانون‌گذاری و فرآیند اجرای آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم نظام حقوقی این کشور نیز دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. ماده دوم قانون اساسی فعلی (پس از این: قانون اساسی یا ق. ا.) مقرر داشته است: «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است». همچنین، بر اساس ماده سوم این قانون: «در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد». به عبارت دیگر، ملاک اعتبار قوانین، عدم مخالفت آنها با شرع دانسته شده است.

بررسی و نظارت قضایی عالی‌ترین نهاد قضایی یعنی ستره محکمه (از این پس: محکمه) به عنوان راه‌کار نظارت و تطبیق مقررات عادی و فرامین تقنینی با قانون اساسی در ماده (۱۲۱) قانون اساسی پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر، نظام حقوقی افغانستان الگوی محکمه‌محور دادرسی اساسی را در پیش گرفته است و این امر با توجه به تضمینات استقلال قوه قضائیه در ادوار مختلف و نظام‌های سیاسی مختلف در این کشور پی‌گیری شده است. در کنار این کارویژه، مسأله نهاد مفسر رسمی قانون اساسی در قانون اساسی افغانستان با سکوت قانونگذار در ابهام فرو رفته است. این مسأله از آنجا بحث برانگیزتر شده است که بنا بر ماده (۱۵۷) قانون اساسی، «کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی» تشکیل شده است. همین امر موجب شده تا اختلاف نظرهای جدی میان حقوقدانان کشور افغانستان در خصوص نهاد متولی تفسیر قانون اساسی مطرح شود. در واقع، از یک‌سو، ستره محکمه مسئول تطبیق قوانین با قانون اساسی و تفسیر آنهاست و از سوی دیگر، کمیسیون مستقل یادشده نیز مسئول نظارت بر تطبیق قانون اساسی شده است و به همین سبب، صلاحیت و قلمرو کاری

این دو نهاد در موضوع نظارت، تفسیر و تطبیق با ابهاماتی مواجه است و حتی شائبه تداخل صلاحیت‌ها نیز به صورت جدی مطرح است و این امر را می‌توان یکی از نقاط ضعف قانون اساسی دانست. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۲) به همین صورت، کارویژه مهم دیگری که برخی از کشورهای دارای الگوی قضایی نظارت بر قانون اساسی پی گرفته‌اند، صلاحیت استماع دادخواهی اساسی افراد به ادعای نقض حقوق بنیادین آنها بر طبق قانون اساسی است. این در حالی است که قانونگذار اساسی افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را مأمور رسیدگی به این مهم نموده است.^(۱) بنابراین، همان‌طور که ملاحظه می‌شود در نظام حقوقی افغانستان نهادهای موازی و متعددی عهده‌دار مسئولیت نظارت بر رعایت قانون اساسی در حوزه تقنین، اجرا و حقوق بشری شهروندان شده‌اند.

در این نوشتار، ابتدا به بررسی اجمالی نظام سیاسی و ادوار قانون اساسی کشور افغانستان می‌پردازیم (۱) و پس از آن، جایگاه قانونی و ترکیب ستره محکمه (۲) و صلاحیت این نهاد (۳) را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در انتهای این نوشتار، ضمن ارائه جدولی به مقایسه صلاحیت‌های ستره محکمه با شورای نگهبان در ایران به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۱- نگاهی به نظام سیاسی و حقوق اساسی افغانستان

۱-۱- ادوار و سیر تدوین قانون اساسی

اولین قانون اساسی افغانستان در بیستم فروردین ۱۳۰۱ با عنوان نظامنامه اساسی دولت علیّه افغانستان مشتمل بر ۷۳ ماده به تصویب رسید و نخستین بار قدرت شاهی قانونمند گردید و حقوق اساسی شهروندان تا حدی تضمین شد. دومین قانون اساسی مشتمل بر ۱۱۰ ماده در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسید و در ظاهر یک نظام مشروطه و پارلمانی را پیش‌بینی کرد، اما در عمل، دیوان‌سالاری سلطنتی ادامه یافت. (سلیمی، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۵)

قانون اساسی سوم در سال ۱۳۴۳ به تصویب رسید. هرچند در آن، زمینه حکومت پادشاهی مبتنی بر قوای مجریه، مقننه و قضائیه را فراهم کرد، اما پادشاه همچنان مظهر قدرت به شمار می‌رفت. در این قانون، دو مجلس پیش‌بینی گردید. (مواد ۴۲، ۴۳ و ۴۴

قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۴۳) سرانجام، در سال ۱۳۵۲ با کودتای محمد داوود، حکومت پادشاهی منقرض گردید و حکومت جمهوری روی کار آمد. این حکومت در سال ۱۳۵۵ قانون اساسی جدیدی تصویب کرد و مطابق آن نظام تک حزبی در کشور رسمیت یافت. (سلیمی، ۱۳۸۵: ۱۵)

در سال ۱۳۵۷ توسط کمونیست ها، حکومت «جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان» روی کار آمد. این رژیم با الغای قانون اساسی قبلی، قانون جدیدی را در ۲۵ فروردین ۱۳۵۹ به تصویب رساند که بر اساس آن، نظام حکومت «تک حزبی» به رسمیت شناخته شد. (مواد سوم و چهارم قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان) ششمین قانون اساسی کشور در زمان حکومت نجیب‌الله در سیزده فصل و ۱۴۹ ماده در سال ۱۳۶۶ به تصویب رسید (سلیمی، ۱۳۸۵: ۱۵) و بالاخره، هفتمین قانون اساسی توسط «لویه جرگه»^(۲) تاریخی در سال ۱۳۸۲ در شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به اتفاق آراء تصویب گردید^(۳) که نسبت به قوانین اساسی پیشین، واقع-بینانه‌تر به نظر می‌رسد.^(۴)

جدول شماره ۱- ادوار قانون اساسی افغانستان^(۵)

شماره ردیف	تاریخ	عنوان قانون	پادشاهی/ ریاست جمهوری	مرجع تدوین	تعداد فصول و مواد قانون
۱	۱۳۰۱	نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان	شاه امان الله خان	دولت شاه امان الله خان	۷۳ ماده
۲	۱۳۱۰	اصول اساسی دولت علیه افغانستان	نادرشاه	شورای ملی (۱۰۵ نفر)	۱۱۰ ماده
۳	۱۳۴۳	قانون اساسی افغانستان	محمد ظاهرشاه	۷ نفر	۱۱ فصل، ۱۲۸ ماده
۴	۱۳۵۵	قانون اساسی جمهوری افغانستان	داود خان	۴۱ نفر	۱۳ فصل، ۱۳۶ ماده
۵	۱۳۵۹	اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان	بیرک کارمل، شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان		۶۸ ماده
۶	۱۳۶۶	قانون اساسی افغانستان	دکتر نجیب الله		۱۳ فصل، ۱۴۹ ماده
۷	۱۳۸۲	قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان	حامد کرزی	کمیسیون ۹ نفره	۱۲ فصل، ۱۶۲ ماده

۱-۲- ساختار و نظام سیاسی

بر طبق مواد ۶۰^(۶) و ۶۱^(۷) قانون اساسی افغانستان، رئیس جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام حکومتی (رئیس کشور) و رئیس قوه مجریه^(۸) با انتخاب مستقیم مردم

انتخاب می شود. شورای ملی نیز عالی‌ترین ارگان تقنینی افغانستان است که قاطبه مردم این کشور را نمایندگی می کند. (ماده ۸۱ ق. ا). بر اساس ماده ۸۲ قانون اساسی: «شورای ملی متشکل از دو مجلس (ولسی جرگه یا مجلس شورای ملی و مشرانو جرگه^(۹) یا مجلس سنا) می باشد».^(۱۰) همچنین، تعیین وزرا با تأیید مجلس شورای ملی صورت می گیرد. (بند ۱۱ ماده ۶۴)^(۱۱)

قوه قضائیه دیگر رکن مستقل حکومت است. (ماده ۱۱۶) ستره محکمه یا همان دیوان عالی کشور، عالی‌ترین ارگان قضایی و در رأس قوه قضائیه قرار دارد. (ماده ۱۱۶) علیرغم استقلال ماهوی این قوه از سایر قوا، تعیین قوای مجریه و مقننه در تعیین و نصب مقامات عالی‌رتبه این قوه دخالت دارند. چنانکه تعیین لوی ثارنوال (دادستان کل کشور)،^(۱۲) اعضای ستره محکمه (دیوان عالی کشور) و رئیس آن به عنوان رئیس قوه قضائیه، توسط رئیس جمهور و با تأیید مجلس شورای ملی صورت می پذیرد. (بندهای ۱۱ و ۱۲ ماده ۶۴ و ماده ۱۱۷ ق. ا). همچنین، در صورتی که اعضای عالی ستره محکمه در حیطه وظایف شغلی خود به جرمی متهم گردند، نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند خواستار محاکمه آنان گردند.^(۱۳)

با توجه به ساختار و نوع تعامل قوا و نهادهای سیاسی می توان نظام سیاسی افغانستان را از نوع نیمه ریاستی قلمداد کرد. گفتنی است که در نظام های ریاستی، «تفکیک قوا به طور مطلق، در قانون اساسی اعلام شده است و قوه مجریه در دست رئیس جمهور، که مستقیم از سوی ملت انتخاب می شود، متمرکز است و شخص رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسئولیت ندارد». (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۱۹۹)

۲- جایگاه قانونی و ترکیب ستره محکمه

فصل هفتم قانون اساسی افغانستان به موضوع «قضاء» و ساختار و وظایف قوه قضائیه اختصاص یافته است. بر طبق ماده (۱۱۶) قانون اساسی: «قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد». همین ماده اشعار داشته است که ستره محکمه، عالیت‌ترین ارگان قضایی بوده و در رأس قوه قضائیه قرار دارد.

۲-۱- ساختار و ترکیب محکمه

ستره محکمه مرکب از ۹ عضو است که از میان واجدین شرایط قانونی از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه در آغاز، سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال انتخاب شده و پس از آن، هریک از اعضا برای یک دوره ده ساله غیرقابل تجدید به عضویت دیوان در می آیند و به استثنای حالت مندرج در ماده (۱۲۷) قانون اساسی، تا پایان دوره خدمت قابل عزل نیستند. (ماده (۱۱۷) ق. ا). به موجب ماده (۱۲۷) مزبور: «هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستیره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد».

همچنین، قابل ذکر است که طبق ماده (۱۲۶) قانون اساسی، اعضای ستیره محکمه پس از پایان دوره تصدی به صورت مادام‌العمر از حقوق مالی دوره خدمت برخوردار خواهند بود (مشروط به اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند). بنا بر بند «۱» ماده (۱۸) قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان (مصوب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۴) (از این پس: قانون تشکیلات یا ق. ت)، ستیره محکمه متشکل از دیوان های ذیل می باشد:

۱ - دیوان جزای عمومی؛

۲ - دیوان امنیت عامه؛

۳ - دیوان مدنی و حقوق عامه؛

۴ - دیوان تجارتی.

به موجب بند «۲» ماده فوق: «ریاست هریک از دیوان های مندرج فقره (۱) این ماده را یکی از اعضای ستیره محکمه که بالنوبه به انتخاب رئیس ستیره محکمه برای مدت یک سال تعیین می شود، به عهده می گیرد». همچنین، محکمه دارای مستشاران قضائی است که تعداد آنها از ۳۶ تن تجاوز نخواهد کرد (ماده (۲۰) ق. ت). بنا بر ماده ۲۱ قانون تشکیلات: «مستشاران قضائی ستیره محکمه از میان قضاتی تعیین می گردند

که دارای اهلیت، کفایت و درایت کامل بوده و حداقل ده سال به طور بالفعل خدمت قضائی را انجام داده باشند». مستشاران قضائی، قضایای وارده را تحلیل و ارزیابی نموده و گزارش آن را جهت اتخاذ تصمیم به جلسه قضائی ارائه می نمایند. (ماده (۲۱) ق. ت).

مطابق ماده (۲۵) قانون تشکیلات، ستره محکمه در هر پانزده روز جلسه عادی را دایر می نماید و جلسات فوق العاده نیز بر اساس تقاضای رئیس ستره محکمه، پیشنهاد لوی ثارنوال (دادستان کل) یا بنا به خواست یک سوم اعضای محکمه می تواند تشکیل گردد. جلسات ستره محکمه با حضور دو سوم اعضای آن رسمیت یافته و با اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه تصمیم گیری می شود؛ مگر آنکه در این قانون طوری دیگری پیش بینی گردیده باشد.^(۱۴)

۲-۲- شرایط عضویت در دیوان

استقلال قوه قضائیه و در رأس آن عالی ترین نهاد قضایی با توجه به کار ویژه قضایی آن از اهمیت خاصی برخوردار است که در تصمیم گیری ها فارغ از گرایش ها و تمایلات سیاسی و بدون فشار باید به وظایف خود عمل کند. با وجود این ویژگی که تا حد زیادی ضامن استقلال این نهاد است، انتخاب رئیس و اعضای ستره محکمه از سوی رئیس جمهور، احتمال و شائبه بی طرفی این نهاد قضایی را مطرح می کند و از این رو، همان طور که در بالا آمد، تضمیناتی برای رفع این احتمال منطقی در نظر گرفته شده است که عبارتند از اینکه نصب رئیس جمهور باید با تأیید ولسی جرگه باشد (ماده (۱۱۷) ق. ا)؛ اعضای ستره محکمه در حال تصدی وظیفه نباید عضو هیچ حزب سیاسی باشند (بند «۶» ماده (۱۱۸) ق. ا)؛ انتصاب آنان به مدت ده سال بوده و در این مدت به طور معمول قابل عزل نیستند (ماده (۱۱۷) ق. ا).

تابعیت افغانستان یکی از شرایط عمومی استخدام دولت شمرده شده است. (ذیل ماده (۵۰) ق. ا). اما شرایط خاص عضویت در ستره محکمه بنا بر ماده (۱۱۸) قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- سن رئیس و اعضا در زمان انتخاب از چهل سال کمتر نباشد.

۲- تبعه افغانستان باشد.

- ۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد.
 - ۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد.
 - ۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.
 - ۶- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.
- به علاوه، اعضای ستره محکمه پیش از تصدی سمت خود می بایست در حضور رئیس جمهور سوگند یاد کنند. (ماده (۱۱۹) ق.ا).^(۱۵)

۳- صلاحیت محکمه

۳-۱- بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی

ماده (۱۲۱) قانون اساسی مقرر داشته است: «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد». گفتنی است که از آنجا که بنا بر ماده (۳) قانون اساسی: «در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد»، بررسی مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی متضمن نظارت بر آنها از حیث عدم مغایرت با احکام اسلام نیز خواهد بود. البته بررسی و مطابقت موضوع با مقررات قانون اساسی از وظایف تمامی محاکم افغانستان دانسته شده است. (ماده ۱۳۰ ق.ا). اما در صورتی که حکومت و یا محاکم تقاضای بررسی مذکور را بدهند، تشخیص مطابقت و عدم مطابقت موارد مزبور با قانون اساسی، به عهده ستره محکمه می باشد. همچنین بنا بر مقرر فوق، فرامین تقنینی که از سوی دولت تصویب شده و به توشیح رئیس جمهور رسیده است و یا معاهدات و میثاق های بین المللی که دولت امضا کرده و به تصویب شورای ملی هم رسیده است، ممکن است توسط ستره محکمه مغایر با قانون اساسی شناخته شده و در نتیجه نامعتبر قلمداد شوند.

نظارت ستره محکمه بر قوانین عادی از نوع نظارت قضایی و پسینی است.

ویژگی‌های قانونی اعضای محکمه، استقلال و بی طرفی آن و نظارت غیر متمرکز و قضایی آن؛ از نقاط برتر و قوت نظارت محکمه بر قوانین عادی است. از طرف دیگر ضعف در آیین درخواست رسیدگی، که به دولت و محاکم منحصر شده و افراد نمی‌توانند درخواست رسیدگی کنند و اینکه نظارت پسینی است و احتمال دارد بسیاری از قوانین مغایر با قانون اساسی برای سال‌ها اجرا گردد و در نتیجه حقوق افراد ضایع شود، از کاستی‌ها این نوع نظارت می‌باشد. (صداقت، ۱۳۸۵: ۴)

اما مسأله بحث برانگیز آن است که «کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی»، که اعضای آن از سوی رئیس جمهور به تأیید «ولسی جرگه» (مجلس شورای ملی) تعیین می‌گردد، بنا بر ماده (۱۵۷) قانون اساسی تشکیل شده است. همین امر موجب شده تا اختلاف نظرهای جدی میان حقوقدانان کشور افغانستان در خصوص نهاد متولی تفسیر قانون اساسی مطرح شود و بحث در مورد مرجع صلاحیت دار برای تفسیر قانون اساسی به مثابه مسأله‌ای حل نشده در دایره حقوق اساسی افغانستان خودنمایی کند. در واقع، از یک سو، ستره محکمه مسئول تطبیق قوانین با قانون اساسی و تفسیر آنهاست و از سوی دیگر، کمیسیون مستقل یادشده نیز مسئول نظارت بر تطبیق قانون اساسی شده است و به همین سبب، صلاحیت و قلمرو کاری این دو نهاد در موضوع نظارت، تفسیر و تطبیق با ابهاماتی مواجه است و حتی شائبه تداخل صلاحیت‌ها نیز به صورت جدی مطرح است و این امر را می‌توان یکی از نقاط ضعف قانون اساسی دانست. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۲-۱۶۴) بنا بر اهمیت موضوع، در ادامه به این مسأله می‌پردازیم که آیا صلاحیت ستره محکمه بنا بر ماده (۱۲۱) قانون اساسی شامل صلاحیت تفسیر نیز خواهد بود یا خیر.

گفتنی است که کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی در تاریخ دوم مرداد سال ۱۳۹۰ رسماً کار خود را آغاز نمود. این در حالی بود که در سال‌های پیش از تشکیل این کمیسیون، بارها در مجلس شورای ملی مواردی پیش می‌آمد^(۱۶) که نیاز به تفسیر قانون اساسی وجود داشت اما با توجه به خلأهای قانونی به مشکل بر می‌خورد. شورای ملی تشکیل کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی را گره‌گشای بسیاری از این چالش‌ها در کشور قلمداد می‌کرد و با توجه به سکوت قانون اساسی، بر آن بود

که با وضع قانون عادی صلاحیت نظارت توأم با تفسیر را به این کمیسیون وا نهد تا سازوکار قانونی ارجاع موضوعات مربوط به قانون اساسی برای شورای ملی و دولت برابر گردد. در مقابل، به نظر ستره محکمه، از ماده ۱۲۱ قانون اساسی چنین بر می آید که محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را نیز دارا می باشد، اما این استدلال ستره محکمه و دولت چندان موجه به نظر نمی رسد. همان طور که پیش تر آمد، ماده ۱۲۱ بیان می دارد: «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت های ستره محکمه می باشد». چنانچه دیده می شود محل اختلاف در این ماده واژه «آنها» می باشد که ستره محکمه و حکومت استدلال می نماید مرجع ضمیر «آنها» قانون اساسی نیز می باشد و در نتیجه ستره محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را نیز دارد. البته طرفداران این رهیافت، استدلال های دیگری نیز در تقویت موضع خود بیان می کنند که از جمله اظهار می کنند که با مراجعه به قوانین گذشته مشخص می شود که صلاحیت تفسیر قانون اساسی و سایر قوانین همیشه در دست ستره محکمه بوده است. مثلاً در ماده (۱۳۵) قانون اساسی سال ۱۳۵۵ به صراحت، تفسیر قانون اساسی از صلاحیت ستره محکمه دانسته شده و ماده (۱۲۵) همین قانون با آن که تشکیل شورای قانون اساسی را پیش بینی نموده بود، صلاحیت تفسیر قانون اساسی و سایر قوانین را به شورای قانون اساسی واگذار نکرده است. ضمن آنکه در زمان تدوین قانون اساسی جدید، یکی از موضوعاتی که باعث به طول انجامیدن مذاکرات شد، بحث در مورد ضرورت ابقا و عدم ابقای شورای قانون اساسی بود که در نهایت، مقرر به تشکیل این شورا از قانون اساسی حذف گردید و به جای آن صلاحیت های شورای مذکور را به ستره محکمه ملحق دانستند و از این رو، در ماده ۱۲۱ قانون اساسی کلمه "آنها" در این ماده اضافه گردید. از سوی دیگر، با مراجعه به سوابق تاریخی، ستره محکمه از بدو تاسیس تفسیر قوانین را به عهده داشته است. ضمن آنکه کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی همان طوری که از نامش نیز پیدا است، صرفاً به «نظارت» می پردازد و لفظ تفسیر نه از ظاهر متن و نه سیاق ماده ۱۵۷ قابل برداشت نیست. شایان ذکر است که ماده (۵۸) قانون اساسی

افغانستان، «به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن»، حکم به تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نموده است و مطابق بند «۲» ماده (۲۱) قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (مصوب ۱۳۸۴/۲/۱۲)، «نظارت از تطبیق احکام قانون اساسی، سایر قوانین، مقررات، لوایح و تعهدات در رابطه با حقوق بشر» را در زمره وظایف و صلاحیت های کمیسیون به شمار آمده است و همین امر را می توان اماره‌ای بر تفکیک امر نظارت از تفسیر در نظر قانونگذار افغانستان تلقی کرد.

با این حال، در صورت پذیرش این نظر که ستره محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را دارد، مراجع صلاحیت‌دار برای طرح موضوع نزد ستره محکمه محدود به دولت و محاکم خواهد شد و شورای ملی از توانایی چنین اقدامی بی بهره خواهد ماند. (حسینی، ۱۳۹۰) با این همه باید خاطر نشان ساخت که ماده هشتم «قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی»، وظایف و صلاحیت های کمیسیون را بر شمرده است و بند (۱) این ماده «تفسیر احکام قانون اساسی به اساس تقاضای رئیس جمهور، شورای ملی، ستره محکمه و حکومت» را از جمله این صلاحیت ها قلمداد کرده بود که متعاقب بررسی شورای عالی ستره محکمه این بند خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد. به همین صورت بند (۴) ماده مزبور که بیانگر صلاحیت بررسی قوانین لازم الاجرا جهت «دریافت تناقضات با قانون اساسی» نیز خلاف قانون اساسی دانسته شد.^(۱۷) بنابراین، به نظر می‌رسد ستره محکمه قویاً در برابر واگذاری اختیار تفسیر قانون اساسی به کمیسیون مستقل ایستاده است.^(۱۸)

۳-۲- سایر صلاحیت‌ها

صلاحیت های دیگر ستره محکمه غیر از تفسیر قوانین و بررسی مطابقت آنها با قانون اساسی در قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه احصا شده است که در دو بند مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۳-۲-۱- سایر صلاحیت‌های محکمه در قانون اساسی

تهیه و تنظیم بودجه قوه قضائیه با مشورت دولت از طرف ستره محکمه صورت می‌گیرد و به عنوان جزئی از بودجه کل کشور، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم

می شود. تطبیق بودجهٔ قوهٔ قضائیه نیز از صلاحیت‌های محکمه شمرده شده است. (ماده ۱۲۵ ق. ا). به علاوه، محکمه می تواند در تنظیم امور قضایی طرح قانونی خود را از طریق حکومت به شورای ملی پیشنهاد نماید. (ماده (۹۵) ق. ا).

ترفع یا توبیخ و پیشنهاد برکناری قضات محکمه در صلاحیت خود محکمه است (ماده ۱۳۲ ق. ا). که به موجب ماده (۱۳۳) قانون اساسی: «هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود». ضمن آنکه، حکم به انفصال، برکناری و نیز مجازات مأمورین و سایر کارکنان اداری قوهٔ قضائیه بر اساس قانون توسط ستره محکمه صورت می گیرد. (ماده ۱۲۴ ق. ا).

همچنین، در انتقال برخی از صلاحیت‌های شورای ملی در حالت اضطرار به رئیس جمهور و تعلیق اجرای برخی از مقررات قانون اساسی، تأیید ستره محکمه شرط شده است. (مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ ق. ا). همین طور در محکمه خاصی که برای محاکمه رئیس جمهور در ارتباط با جرایم خاص شکل می گیرد، سه نفر از اعضای ستره محکمه عضویت خواهند داشت. (ماده ۶۹ ق. ا).

۳-۲-۲- سایر صلاحیت‌های محکمه در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوهٔ قضائیه

قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان وظایف و صلاحیت‌های قضائی ستره محکمه را در ماده (۲۴) برشمرده است که صرف نظر از صلاحیت تفسیر قوانین و بررسی مطابقت آنها با قانون اساسی که در بند اول این ماده ذکر شده است، به شرح زیر می باشند:

۱ - پیشنهاد لوایح قانونی در حوزه تنظیم امور قضائی به شورای ملی از طریق دولت؛

۲ - بررسی تجدیدنظر از احکام قضایی به سبب ظهور دلایل جدید بر اساس اعتراض لوی ثارنوال (دادستان کل کشور) یا طرف دعوی (اعاده دادرسی)، طبق مقررات پیش‌بینی شده در قوانین مربوط؛

- ۳ - حل تعارض صلاحیت محاکم و تفویض صلاحیت رسیدگی از یک محکمه به محکمه دیگر براساس تقاضای لوی ثارنوال یا طرف دعوی در صورت وجود دلایل موجه؛
- ۴ - بررسی دلایل و اتخاذ تصمیم در مورد اعاده مجرمین به دولت خارجی مطابق به احکام قانون؛
- ۵ - بررسی دلایل اتهام و اتخاذ تصمیم در مورد تحویل تبعه کشور به دولت خارجی با رعایت حکم ماده بیست و هشتم قانون اساسی؛
- ۶ - ایجاد وحدت رویه قضائی؛
- ۷ - اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات جنائی و انتظامی قضات؛
- ۸ - ارائه نظریات مشورتی به محاکم در امور قضائی بنا به درخواست آنها.^(۱۹)
- جدول ۲- مقایسه صلاحیت‌های ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران	جمهوری اسلامی افغانستان	
۶ حقوقدان و ۶ فقیه	۹ عضو	تعداد اعضا
۶ فقیه با انتخاب مقام رهبری ۶ حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس شورای اسلامی	انتخاب از سوی رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه	نحوه انتخاب اعضا
اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی ج ۱ ایران	مواد (۱۱۶) تا (۱۳۵) قانون اساسی؛ مواد (۱۶) تا (۳۰) قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه	مواد قانونی مربوطه
۶ سال و امکان عضویت مجدد	۱۰ سال بدون امکان عضویت مجدد	مدت عضویت اعضا
فقه‌های شورای نگهبان توسط رهبری قابل عزل هستند (جزء «الف» بند «۶» اصل قانون اساسی در مورد عزل حقوقدانان شورای نگهبان، ساکت است.	به استثنای حالت مندرج در ماده (۱۲۷) قانون اساسی، تا پایان دوره خدمت قابل عزل نیستند.	امکان عزل
در مورد حقوقدانان شورای نگهبان، تصدی شغل غیر از سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی و نیز مسئولیت‌های محوله از سوی مقام رهبری ممنوع می‌باشد.	قانون صرفاً به عدم امکان عضویت قضات محکمه در احزاب سیاسی تصریح دارد.	امکان تصدی مشاغل دیگر

۳- تفسیر قانون اساسی ۴- تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی ۵- تشخیص مبتنی بودن کلیه قوانین و مقررات بر موازین شرع (اصل ۴ ق.ا) ۶- نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی	الف- صلاحیت های قضایی ۱- صلاحیت های مربوط به نهاد دادرسی اساسی (بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها) ۲- صلاحیت های مربوط به شأن عالی ترین مرجع قضایی (نظیر: رسیدگی فرجامی؛ ایجاد وحدت رویه و...). ب- صلاحیت های غیرقضایی و اداری (مانند: پیشنهاد لوایح قانونی؛ تهیه، تدوین و تطبیق بودجه قوه قضاییه؛ حل تعارض صلاحیت محاکم و...).	صلاحیت ها
نظارت شرعی: پیشینی و پسینی نظارت قانون اساسی: پیشینی	پسینی (با درخواست دولت یا محاکم)	نحوه رسیدگی
قطعی و لازم الاجراء	قطعی و لازم الاجراء	اعتبار تصمیمات

نتیجه گیری

بررسی و آشنایی با نظامات حقوقی دیگر در مسیر درک بهتر نقاط مثبت و منفی یک نظام حقوقی از اهمیت غیر قابل انکار برخوردار است. این امر می تواند باعث شناخت کاستی ها و تلاش برای اصلاح راهبردها و کارآمدی بیشتر یک نظام حقوقی گردد. بررسی نظام حقوقی کشور افغانستان به دلیل برخورداری از نقاط و زمینه های مشترک فراوان با ایران می تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد، ضمن آنکه به دلیل تازگی و نو بودن ساختار حقوق اساسی افغانستان حاوی رویکردهای جدیدی نیز هست.

ستره محکمه مسئولیت بررسی قوانین و برخی دیگر از مقررات لازم الاجرا با قانون اساسی را داراست و از آنجا که ماده (۳) قانون اساسی افغانستان مقررهای شبیه اصل (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد بدین معنا که هیچ قانونی در افغانستان نمی تواند مغایر احکام دین مبین اسلام باشد، نظارت قانون اساسی محکمه هم زمان متضمن بررسی موضوع از حیث اصول قانون اساسی و نیز، احکام شرع است که می تواند مشابه کارویژه های شورای نگهبان انگاشته شود. با این حال، سکوت قانون اساسی افغانستان نسبت به مرجع صلاحیت دار برای تفسیر قانون اساسی، در کنار پیش بینی مراجعی که شائبه صلاحیت در این رابطه را دارند، به ابهام در نحوه اعمال این

کارویژه حیاتی در حقوق اساسی دامن زده است به گونه ای که از یک سو، ستره محکمه این صلاحیت را از آن خود دانسته و از سوی دیگر در عمل، شاهد رویه‌هایی در این حوزه از سوی کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی هستیم.

صلاحیت محکمه برای دادخواهی اساسی شهروندان در نظر گرفته نشده است و امکان بررسی انطباق قوانین و برخی مقررات لازم الاجرا صرفاً از سوی دولت و محاکم این کشور شناخته شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای که الگوی قضایی نظارت بر قانون اساسی و دادرسی اساسی را برگزیده‌اند، چنین امکانی پیش بینی شده است. هرچند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به عنوان مرجعی خاص، «به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن»، تأسیس گردیده است. بنابراین، می‌توان گفت مأموریت اصلی و شاید تنها مأموریتی که قانون اساسی به ستره محکمه در حوزه دادرسی اساسی واگذار کرده است همان، «بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها» می‌باشد و از این جهت در مقایسه با نهادهای متناظر خود در دیگر کشورها از صلاحیتی بسیار محدود برخوردار است. تعدد مراجع در حوزه مرتبط با دادرسی اساسی می‌تواند مشکلاتی از حیث تداخل وظایف را مطرح سازد و این امر از اشکالاتی است که می‌توان در نظام حقوق اساسی افغانستان مورد توجه قرار داد.

منابع

- احمدی، عیدمحمد (۱۳۸۶)، «مبانی قانون‌گذاری در افغانستان»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۱۸.
- تارنمای کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی به نشانی:
<http://icoic.gov.af/fa/>
- جریده رسمی (۳۱ ثور (اردیبهشت) ۱۳۸۴)، قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم
 قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، کابل: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی
 افغانستان، شماره ۸۵۱.
- حسینی، سیدآصف (۱۳۹۰)، «نظارت بر تطبیق قانون اساسی در افغانستان»، قابل
 دسترس در: http://wataniar.blogfa.com/post_13.aspx
- خاوری، حسین (۱۳۸۵)، «شورای ملی در پس منظر قانون اساسی»، قابل دسترس
 در: http://ghalechah.blogfa.com/post_8.aspx
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، چ هفتم، تهران: توس.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۵)، «ضرورت بازسازی نظم حقوقی»، مجله علمی -
 پژوهشی حقوق در افغانستان، شماره ۱.
- شفایی، عصمت‌الله (۱۳۹۰)، «جدول قوانین اساسی افغانستان به اساس زمان
 تصویب»، قابل دسترس در: http://golwazah.blogfa.com/post_10.aspx
- صداقت، قاسم علی (۱۳۸۵)، «ستره محکمه و صیانت از قانون اساسی»، مجله
 علمی - پژوهشی مطالعات حقوقی افغانستان، شماره دوم.

۱. ماده ی پنجاه و هشتم قانون اساسی مقرر می دارد: «دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس می نماید. هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم میگردد.»

۲. لویه جرگه مجلسی است که از سران اقوام و قبایل و نمایندگان دولت برای تصمیم گیری های مهم و اضطراری تشکیل می شود.

۳. شایان ذکر است که در سال ۱۳۷۲ و در زمان ریاست جمهوری برهان الدین ربانی، پیش نویس هفتمین قانون اساسی افغانستان با عنوان «اصول اساسی جدید افغانستان» تدوین گردید اما به دلیل مخالفت احزاب به مرحله توشیح و لازم الاجرا شدن نرسید.

۴. ماده (۱۳۱) قانون اساسی مقرر داشته است: «محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.»

مقرره اخیرالذکر در حالی است که در حالت کلی به موجب ذیل ماده (۱۳۰) قانون اساسی: «هرگاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.»

۵. برگرفته از: عصمت الله شفايي، بیست و یکم آبان ۱۳۹۰، قابل دسترس در:

[10.aspx_http://golwazhah.blogfa.com/post](http://10.aspx_golwazhah.blogfa.com/post)

۶. ماده ۶۰ قانون اساسی مقرر می دارد: «رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیتهای خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال میکند.»

۷. در ماده ۶۱ قانون اساسی چنین آمده است: «رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از ۵۰ درصد

آراء رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد.»

۸. در ماده ۷۱ قانون اساسی مقرر گردیده است: «حکومت متشکل است از وزراء که تحت ریاست رئیس جمهور، اجرای وظیفه مینمایند.»

۹. منظور از مشرانو جرگه مجلس سنا است که در افغانستان وجود دارد و به اعضای این مجلس سناتور میگویند.

۱۰. قانون اساسی افغانستان، مواد ۸۱ و ۸۲.

۱۱. برای آگاهی بیشتر، نک. خاوری، حسین، «شورای ملی در پس منظر قانون اساسی»، ۱۳۸۵/۶/۱۹، قابل دسترس در:

[8.aspx-http://ghalechah.blogfa.com/post](http://8.aspx-ghalechah.blogfa.com/post)

۱۲. ثارنوالی که کار آن تعقیب، کشف جرایم، پرونده سازی و غیره می باشد، جزء قوه مجریه می باشد. (ماده ۱۳۴ قانون اساسی) و از این جهت چون کارهای مقدماتی و آماده سازی پرونده جنایی با هدف محاکمه متهم در ثارنوالی صورت می گیرد - که اصولاً این کارها جزء وظایف ضابطین قضایی است که تحت نظر قوه قضائیه باشد - می تواند بر تصمیمیات و اقدامات بعدی قضات تأثیر داشته باشد که از آغاز تحت نظر و به دستور آنان انجام نشده است؛ بلکه تحت نظر و دستورات مقامات دولتی کارهای مقدماتی انجام گرفته است و این امر یک نقص بزرگ در سیستم قضایی افغانستان می باشد. اتفاقاً ماده مربوط به ثارنوالی در قانون اساسی، در فصل قضا ذکر شده است اما جزء قوه مجریه قلمداد شده است.

۱۳. ماده ۱۲۷ قانون اساسی بیان می دارد: «هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد...».

۱۴. بند «۴» ماده (۲۵) قانون تشکیلات مقرر داشته است: «در موارد مندرج اجزای (۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۸) ماده بیست و چهارم این قانون، تصامیم به اکثریت دو ثلث کامل اعضای ستره محکمه اتخاذ می گردد.»

۱۵. متن سوگند به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضاء را با کمال امانت صداقت و بی طرفی اجرا نمایم».

۱۶. اختلاف نظر اعضای ولسی جرگه بر سر قانون تحصیلات عالی، قانون موسسات امنیتی خصوصی، قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضائیه و نیز قانون جدید انتخابات، از جمله مواردی هستند که به باور برخی نویسندگان، در صورت تشکیل این کمیسیون با داشتن صلاحیت تفسیر قانون اساسی به وجود نمی آمد و کشور را دچار مشکل و تنش نمی ساخت. نک. سیدآصف حسینی، «نظارت بر تطبیق قانون اساسی در افغانستان»، ۱۳۹۰/۸/۱۹، قابل دسترسی در:

13.aspx.http://wataniar.blogfa.com/post

۱۷. گفتنی است که تصمیم و تشخیص ستره محکمه در مورد مغایرت با قانون اساسی، قاطع و نهایی بوده و از سوی کمیسیون مستقل نظارت نیز قابل تطبیق نیست.

۱۸. برای اطلاع بیشتر از اهداف و مأموریت های کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی به تارنمای این کمیسیون به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<http://icoic.gov.af/fa/>

۱۹. برای آگاهی از وظایف و صلاحیت های اداری ستره محکمه، نک. ماده (۲۹) قانون تشکیلات.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir